

عبد صالح در قرآن^۱

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

انبیاء: ۱۰۵

مقدمه

۱. امامت خورشید حیات بخشی که شیعه با اعتقاد به آن، گره خورده و راه خویش را در تاریخ آغاز کرده و از اسلام خلفا و کج راهه‌ها و بی‌راهه‌ها جدا نموده است. تولد، حیات، بالندگی و بقای شیعه در گرو این حقیقت بزرگ قرآنی و یادگار سترگ پیامبر G است... امامت قلب تپنده شیعه و چراغ راه تشیع در گردبادهای حوادث و ایام است. امامت رمز وحدت و رکن اساسی دین و سرمایه عظیم تشیع است. امامت چراغ هدایت، کشتی نجات و امانت خدا بر روی زمین است، می‌توان آن را پذیرفت و به عزت و فوز و فلاح رسید و می‌توان از آن چشم پوشیده و در ذلت، ضلالت و تهیه فردی و اجتماعی روزگار گذراند.

۲. در میان امام شیعه، امام دوازدهم از ویژگیها و امتیازهای خاصی برخوردار است، او تنها کسی است که تمامی جهان را از عدل و داد سرشار خواهد ساخت. همانگونه که از ظلم و بیداد پر شده است. او کسی است که پیامبر G و همه‌ی امامان، از سالیان دور، آمدن او را بشارت می‌دادند و با یاد او و دولت او، خود و شیعیان را آرامش می‌بخشیدند. او کسی است که بینی تمام گردنکشان را به خاک خواهد مالید و اسلام را فراگیر خواهد ساخت و بر جای جای این عالم، بانگ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، محمد رسول الله» را طنین انداز خواهد ساخت و بر این کره‌ی خاکی حکومت واحد جهانی اسلامی را بنیان خواهد نهاد.

۳. هر متاعی به مقدار اهمیتش در معرض خطر و هجمه‌ی بیشتری است. امروزه ولایت تنها سد استواری است که فرا روی تمامی قدرتها ایستاده است؛ از این رو، شیاطین تمام توان خود را در داخل و خارج، به مقابله و رویارویی با آن فراخوانده‌اند و از هیچ کاری و به راستی از هیچ کاری دریغ ندارند، از شایعات بی‌اساس گرفته، تا ایجاد شبهات و تفکیک ولایت فهمی، علمی، تا انکار تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تا راه‌اندازی بوق‌های مزدور (رادیبوبه‌اییت)، تا تصویب بودجه‌های بیست میلیون دلاری و... این نوع هجوم‌های خشن، به عمد یا به غیر عمد، در رسانه‌های داخل و خارج آدمی را به این فکر می‌اندازد که طرحی هماهنگ و منسجم در دست اجراست، به گونه‌ای که هر یک دیگری را کامل می‌کند، البته این

هجمه، تاریخی کهن در اسلام و ایران دارد. قدرت امامت تا آنجاست که به اعتراف دشمن، شیعه با کربلا و یاد امام حسین H قیام می‌کند و با انتظار و نام «امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف» آن را حفظ می‌کند (نگاه سرخ و نگاه سبز). ایجاد برخی از فرقه‌های انحرافی چون بهائیت، سوغات استعمارگر پیر در خاموش کردن همین آتشفشان مهدویت است.

۴. در برابر هجوم‌های خشن و وحشیانه‌ای که در قالب‌های نو و کهنه عرضه می‌شود، باید به ابزار روز مسلح شد که چشم در برابر چشم و گوش در برابر گوش. با توجه به اهمیت مقوله‌ی مهدویت و نقش آن در اعتقاد مردم و حفظ و رشد و بالندگی نظام باید به سبب فرهنگ مهدویت با استفاده از همه‌ی فرصت‌ها و ظرفیت‌های جامعه، با بهره‌وری از راه‌کارهای مناسب و ارائه‌ی عرصه‌های جدید پژوهش پرداخت، همانگونه که باید در جلوگیری از سوء استفاده‌ها و آسیب‌شناسی آن نیز پرداخت تا از نفوذ افکار مسموم پیشگیری کرد.

این رسالت، رسالتی همگانی است و در انحصار هیچ گروه و سازمان خاصی نیست، و اگر گروهی عهده‌دار آن می‌شود تا این امر خطیر را سامان بخشد، تکلیف را از دوش دیگران بر نمی‌دارد، بلکه وظیفه‌ی همکاری را هم بر تکلیف پیشین آنان می‌افزاید.

باید این گوهر گرانبها و این آتشفشان مهدویت، هر دم افروخته‌تر گردد و این میسور نیست مگر با یک بسیج همگانی و مدیریتی متمرکز و تربیت نیروهای متخصص و مبلغ. باید مربیانی کارا، روزآمد و وارسته از حوزویان و دانشگاهیان تربیت کرد و در عرصه‌ی آموزش، پژوهش، هنر و ادبیات کاری جدی کرد و طرحی نو در انداخت، ناگفته نماند که کارهای بزرگ به همان اندازه که مهم و سترگند، از حساسیت و شکنندگی خاصی هم برخوردارند. کارهایی از این نوع سرعت و دقت را باهم می‌طلبند.

به نقل از سرمقاله فصلنامه‌ی انتظار شماره ۲

با توجه به توصیفات فوق، بر خود واجب و لازم دانستم که اقدامی هر چند کوتاه، در این باره، انجام دهم و اذعان دارم که باید کارهای بسیار بزرگی در این زمینه صورت گیرد.

در پایان از مسئولین دانشکده‌ی علوم قرآنی مراغه، به خاطر برپایی «نمایشگاه مهدویت» و ارائه‌ی دستاوردهای دانشکده در این زمینه نهایت تقدیر و تشکر را به عمل می‌آوردم و از خداوند متعال آرزوی سربلندی و پیروزی برای تمام دوستداران مهدی H را خواستارم.

احمد داوری - مراغه

بهار - ۱۳۸۲

فصل اول

عبد صالح در قرآن

قرآن، کتابی است که ظاهر آن ساده و برای عموم مردمی که با زبان عربی آشنایی دارند، قابل فهم و درک است و آنچه که مانند گفتگوهای معمولی و عرضی از قرآن و ظاهر آن، فهمیده می‌شود، معمولاً هدف و منظور پروردگار بوده و قابل عمل و اعتماد می‌باشد و در موقع احتجاج و استدلال و به دست آوردن احکام الهی و وظایف اخلاقی و امثال آن می‌توان مستقلماً به همان معانی که از ظاهر آیات قرآن استفاده می‌شود، تکیه کرد و آن را مورد عمل و یا دلیل و مبنا قرار داد.

مبنا قرار دادن معنای ظاهری قرآن را «حجیت ظواهر قرآن» می‌نامند، این است که می‌گوییم ظواهر قرآن حجیت و مدرکیت دارند و ما می‌توانیم در موارد مختلف به معنای ظاهری آن تکیه کرده، آن را مستقلماً مورد عمل قرار دهیم و نظریات و استدلالهای خویش به آن تمسک جوئیم، زیرا ظواهر قرآن برای عموم، حجت و ملاک می‌باشد.^۲

با توجه به مطلب فوق اشاره به این نکته نیز ضروری است که ما در این تحقیق از کلمه‌ی «جری» یا «تطبیق کلی بر مصداق» بیشتر استفاده خواهیم کرد؛ و این کلمه اصطلاحی است که از کلمات ائمه‌ی اهل بیت K و مفسران بزرگ اخذ کرده‌ایم.

مثلاً روایت شده که فضل بن سیار از امام باقر علیه‌السلام درباره‌ی مفهوم «ظاهر و باطن قرآن» در این حدیث که «هیچ آیه‌ای در قرآن نیست، مگر اینکه ظاهری دارد و باطنی» سؤال کرد، و حضرت در جواب فرمودند: «ظاهر قرآن تنزیل آن و باطنش تأویل آن است. بعضی از تأویل‌های آن گذشته و بعضی هنوز نیامده است (یجری کما یجری الشمس و القمر): مانند آفتاب و ماه در جریان است: هر وقت چیزی از آن تأویل‌ها آمد آن تأویل‌ها واقع می‌شود...»

و این معنا در روایات دیگری نیز آمده است، و این خود، سلیقه‌ی ائمه‌ی اهل بیت(ع) است که همواره یک آیه از قرآن را برهر موردی که قابل انطباق با آن باشد، تطبیق می‌کنند، هر چند که اصلاً ربطی به مورد نزول آیه نداشته باشد، عقل هم همین سلیقه و روش را صحیح می‌داند، برای اینکه قرآن به منظور هدایت همه‌ی انسانها، در همه‌ی ادوار نازل شده، تا آنان را به سوی آنچه باید بدان معتقد باشند و آنچه باید بدان متخلق گردند و آنچه که باید عمل کنند، هدایت کند، چون معارف نظری قرآن مختص به یک عصر خاص و یک حال مخصوص نیست، آنچه را قرآن فضیلت خوانده، در همه ادوار بشریت فضیلت است و آنچه را مورد رذیلت و ناپسند شمرده، همیشه ناپسند و زشت است، آنچه را که از احکام عملی تشریح نموده، نه مخصوص به عصر نزول است و نه به اشخاصی از آن عصر، بلکه تشریحی است عمومی و جهانی و ابدی.

و بنابراین اگر می‌بینیم که در شأن نزول آیات روایاتی آمده، که مثلاً می‌گویند؛ فلان آیه بعد از فلان جریان نازل شد و یا فلان آیات درباره‌ی فلان شخص یا فلان واقعه نازل شده، باری نباید حکم آیه را مخصوص آن واقعه و آن شخص بدانیم، چون اگر اینطور فکر کنیم باید بعد از انقضاء آن واقعه و یا مرگ آن شخص حکم آیه‌ی قرآن نیز ساقط شود.

و روایات در تطبیق آیات قرآنی بر ائمه‌ی اطهار علیهم السلام و یا تطبیق بعضی از آنها بر دشمنان ائمه علیهم السلام و خاصه‌ی روایات «جری» زیاد است که در ابواب مختلف وارد شده‌است و ما در این بحث مواردی را ذکر خواهیم کرد.^۳ که از باب تطبیق «کلی بر مصداق» خواهد بود و لذا گفته‌اند که هر احتمالی که به ذهن برسد حجتی است که به آن احتجاج می‌شود.^۴ (۳)

با این توضیح به سراغ آیاتی از قرآن می‌رویم که از باب «تطبیق کلی بر مصداق» نمونه کامل و اتم آنها حضرت مهدی (عج) و یا زمان ظهور حضرت می‌باشد و در این فصل حدود ۲۵ آیه در این مورد بررسی خواهیم کرد. ان شاء الله.

۱- وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾
إِنْ فِي هَذَا لَبَلَاغٌ لِقَوْمٍ عَابِدِينَ ﴿١٠٦﴾ « ۱۰۶- ۱۰۵ انبیاء»

«و ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم که بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد و در این ابلاغ روشنی است برای عبادت کنندگان.»

زبور در این آیه، همان زبور داود است که مجموعه است از مناجات‌ها و نیایش‌ها و اندرزهای داود (ع) (بود و منظور از ذکر، تورات موسی (ع) و یا قرآن است.

نکته‌ی جالب اینجاست که در این آیه فقط از «زبور» و «تورات» نام برده شده‌است زیرا :

اولاً؛ داود یکی از بزرگترین پیامبرانی بود که تشکیل حکومت «حق و عدالت» داد.

ثانیاً بنی اسرائیل نیز مصداق قوم مستضعفی بودند که بر ضد مستکبران قیام کردند و دستگاه آنها را به هم پیچیدند و وارث حکومت و سرزمین آنها شدند.

نکته‌ی دیگر قابل بررسی این است که با توجه به اضافه شدن بندگان به خدا (عبادی) مسأله‌ی ایمان و توحید آنها نیز روشن می‌شود و با توجه به کلمه صالحون که معنی گسترده و وسیعی دارد، همه‌ی شایستگی‌ها به ذهن می‌آید:

۳. ر.ک.المیزان، ج ۱، ص ۶۶ و ۶۷

۴. المیزان، ج ۱۰، ص ۱۴۵.

شایستگی از نظر عمل و تقوا، شایستگی از نظر علم و آگاهی، شایستگی از نظر قدرت و قوت، شایستگی از نظر تدبیر و نظم و درک اجتماعی.

بنابراین، مستضعف بودن دلیل بر پیروزی بر دشمنان و حکومت روی زمین نخواهد بود بلکه از یک سو ایمان لازم است و از سوی دیگر کسب شایستگی‌ها، و مستضعفان جهان مادام که این دو اصل را زنده نکنند به حکومت روی زمین نخواهند رسید، بنابراین، در آیه‌ی بعد به عنوان تأکید بیشتر می‌فرماید: در این سخن ابلاغ کافی و روشن است برای گروهی که خدا را با اخلاص پرستش کنند.^۵

در بعضی از روایات، صریحاً این آیه تفسیر به یاران مهدی (عج) شده است، برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

۱- قال الباقر (ع): هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان، بندگان صالحی که خداوند در این آیه به عنوان وارثان زمین یاد می‌کند، یاران مهدی (عج) در آخر الزمان هستند.^۶

۲- در تفسیر قمی آمده است: کتابهای آسمانی همه ذکرند و آیه ان الارض... در باره قائم و اصحابش است.^۷ روایات دیگری نیز در این زمینه وارد شده است.^۸

۲- اَتَىٰ أَمْرَ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحٰنَهُ وَّتَعٰلٰی عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿١٠١﴾

(نحل - ۱)

«امر خدا فرا رسیده است، برای آن عجله نکنید!»

آیه خطاب به مشرکین است و مقصود از امری که خبر از آمدنش داده و فرموده «اَتَىٰ اَمْرَ اللّٰهِ»، امری است که ساحت ربوبیت خدای را از شرک مشرکین پاک نموده، ریشه آن را از بیخ و بن برکند و جالب اینجاست که در هیچ جای کلام خدا، از مؤمنین حکایت نشده که در امری استعجال و عجله کرده باشند، بلکه، هر جا مسأله‌ی قیامت را مطرح کرده، حکایت استعجال مشرکین است.

۵. نمونه، ج ۱۳، صص ۵۱۸ - ۵۱۳، با تلخیص و تصرف.

۶. نمونه، ج ۱۳، صص ۵۱۹ و ۵۱۸، تفسیر شبر، ص ۲۸۹.

۷. میزان، ج ۱۴، ص ۴۷۵ - نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۹ - نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۶۲.

۸. ر.ک. نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۶۲، حدیث‌های ۱۹۵ - ۱۸۹.

پس منظور از امر آینده در آیه همان وعده‌ای است که خدا به رسول خدا و به مؤمنین داده است و همان تهدیدهایی است که یکی پس از دیگری به مشرکین داده و فرموده است «به زودی مؤمنین را یاری می‌کنیم، و به زودی کفار را خوار و عذابشان می‌کنیم و دین خود را به امری از ناحیه‌ی خود غلبه می‌کنیم»^۹.

شیخ مفید در کتاب «غیبت» خود از امام صادق(ع) آورده است که مراد از آتی امرالله فلا تستعجلوه ظهور مهدی(عج) است و این از باب «جری» و تطبیق کلی بر فرد، و یا از قبیل بطن قرآن است.^{۱۰}

۳- وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا تَحْبِسُهُ ۗ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٨﴾ هود - ۸

«و اگر مجازات را تا زمان محدود از آنها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزاء) می‌گویند: چه چیز مانع آن شده است.»

در روایات متعددی «امه معدوده» به معنی نظرات کم و اشاره به یاران حضرت مهدی(عج)، گرفته شده است، به این ترتیب، معنی آیه چنین است :

«اگر ما مجازات این ستمگران و بدکاران را به قیام مهدی و یارانش و اگذار کنیم، آنها می‌گویند: چه چیزی جلوی عذاب خدا را گرفته است.»^{۱۱}

و از امام صادق(ع) در ذیل آیه‌ی فوق روایت کرده‌اند که فرمود: منظور از «عذاب» خروج مهدی(ع) است.^{۱۲}

۴- يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ ۗ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ۗ أَذِلَّةٍ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَىٰ الْكَافِرِينَ ۗ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۗ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ مائده.

۹. الميزان، ج ۱۲، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.

۱۰. همان، ص ۳۲۷.

۱۱. نمونه، ج ۹، ص ۳۳، ۳۲ - نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۴۱، احادیث ۲۹ - ۲۶.

۱۲. الميزان، ج ۱۰، ص ۲۶۷، شبر، ص ۱۹۵.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد (به خدا زبانی نمی‌رساند)، خداوند در آینده جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنها (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران نیرومندند، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش سرزنش کنندگان، هراسی ندارند. این فضل خداست که به هر کس که بخواهد (و شایسته بیند) می‌دهد و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست.»

در روایات می‌خوانیم این آیه درباره‌ی یاران حضرت مهدی (عج) نازل شده‌است که با تمام قدرت در برابر آنها که از آیین حق و عدالت مرتد شده‌اند، می‌ایستند، و جهان را پر از ایمان و عدل و داد می‌کند.^{۱۳}

و در تفسیر قمی ذیل آیه آمده است که «نزلت فی القائم و اصحابه الذین یجاهدون فی سبیل الله و لایخافون لومه لائم: آیه درباره‌ی قائم (عج) و اصحابش نازل شده‌است که در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌هراسند».^{۱۴}

۵- اَمَّنْ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ ج

قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾

۶۲ - نمل

«کسی که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد»

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «این آیه درباره‌ی قائم آل محمد (ع) نازل شده، به خدا سوگند مضطر اوست که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز می‌خواند و خدای عز و جل را می‌خواند، سپس او اجابتش می‌فرماید، و خلیفه در زمینش می‌سازد.»^{۱۵}

همین معنی با بیانی دیگر از امام باقر (ع) نیز روایت شده‌است.^{۱۶}

بدون شک منظور از این تفسیر (همانگونه که گفتیم - منحصر ساختن مفهوم آیه به وجود مبارک حضرت مهدی (عج) است که در آن زمان، که همه جا در کل عالم نمایان است، در آن هنگام در مقدس‌ترین نقطه‌ی روی زمین دست به

۱۳. نمونه، ج ۴، ص ۴۱۸، شبیر، ص ۱۰۹.

۱۴. المیزان، ج ۵، ص ۶۴۳ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۱ حدیث ۲۴۷.

۱۵. المیزان، ج ۱۵، ص ۵۶۰ - نمونه، ج ۱۵، ص ۵۲۲ و ۵۲۱

۱۶. ر.ک. نمونه، ج ۱۵، ص ۵۲۱ - نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۴، حدیث ۹۴.

دعا بر می‌دارد و تقاضای کشف سوء می‌کند و خداوند این دعا را سر آغاز انقلاب مقدس جهانی او قرار می‌دهد و به مصداق «و جعلک خلفاء الارض» او و یارانش را خلفای روی زمین می‌کند.^{۱۷}

عَرَفْتُمُ اللَّهَ خَيْرًا لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ ﴿٨٦﴾

۸۶ - هود

«بقیه الله برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید»

در روایات متعددی می‌خوانیم که «بقیه‌الله» تفسیر به وجود «حضرت مهدی (عج) یا بعضی از امامان دیگر شده است، از جمله از امام باقر (ع) نقل شده که فرمودند: «نخستین سخنی که حضرت مهدی (عج) پس از قیام خود می‌گوید: این آیه است: «بقیه‌الله خیرلکم ان کنتم مؤمنین» سپس می‌گوید: منم بقیه‌الله و حجت و خلیفه او در میان شما، پس هیچکس بر او سلام نمی‌کند مگر اینکه می‌گوید: «السلام علیک یا بقیه‌الله فی ارض^{۱۸}»

و در کتاب کمال الدین و تمام النعمه آمده است که امام حسن عسگری (ع) (در حالیکه بر دوش خویش کودکی سه‌ساله داشت و صورت آن کودک مانند ماه شب چهارده می‌درخشید به احمد بن اسحق فرمود: «اگر کرامت تو بر خدا و حجت‌های او نبود این فرزندم را بر تو نشان نمی‌دادم، او همان رسول خدا (ص) است.» تا اینکه کودک با زبان عربی فصیحی فرمود:

«انا بقیه‌الله فی ارضه و المنتغم من اعدائه و...»

من بقیه‌الله در زمینش هستم و انتقام گیرنده از دشمنان او و...»^{۱۹}

بارها گفته‌ایم آیات قرآن هر چند در مورد خاصی نازل شده باشد، مفاهیم جامعی دارد که می‌تواند در اعصار و قرون بعدی بر مصداق‌های کلی‌تر و وسیع‌تر تطبیق شود.

درست است که در آیه‌ای مورد بحث، مخاطب قوم شعبیند و منظور از «بقیه‌الله»، سود و سرمایه‌ی حلال و یا پاداش الهی است، ولی هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه‌ی خیر و سعادت بر او گردد «بقیه‌الله» محسوب می‌گردد.

- تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ «بقیه‌الله» اند.

۱۷. نمونه، ج ۱۵، ص ۵۲۲.

۱۸. نمونه، ج ۹، ص ۲۰۴ و ۲۰۳.

۱۹. نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۹۲، حدیث ۱۹۳.

- تمام رهبران راستین که پس از مبارزه با یک دشمن سرسخت برای یک قوم و یک ملت باقی می‌مانند، از این نظر، «بقیة الله» اند.

- همچنین سربازان مبارزی که پس از پیروزی از میدان جنگ باز می‌گردند آنها نیز «بقیة الله» اند.

- و از آنجا که «حضرت مهدی (عج)» آخرین پیشوا و بزرگترین رهبر انقلابی پس از پیامبر اسلام (ص) است؛ یکی از روشن‌ترین مصادیق «بقیة الله» می‌باشد و از همه به این لقب شایسته‌تر است بخصوص که تنها باقیمانده‌ی بعد از پیامبران و امامان است.^{۲۰}

۷- قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِيَ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ۝ ۸۰ - هود

«حضرت لوط (ع) گفت: ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم؟ یا تکیه‌گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود (آنگاه می‌دانستم با شما ددمنشان چه کنم؟)»!

در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم که در تفسیر آیه فوق فرمودند: «ماکان قول لوط» لو ان لی بکم قوه اولوی الی رکن شدید «الاتمینا لقوه القائم (ع) و لا ذکر رکن الاشد» (صحابه لان الرجل منهم يعطى قوه اربعین رجلاً و ان قلبه لاشد من زبرالحدید و لومر و الجبال الجدید لقلحوها لایکفون سیوفهم حتی یرضی الله عزوجل :

آنچه که حضرت لوط (ع) فرمود «لو ان لی بکم قوه اولوی لی رکن شدید» آرزو می‌کرد که قدرت قائم علیه‌السلام را داشته باشد و شدت یاران وی را که مردی از آنها قدرت چهل را دارد و قلبش از آهن سخت است و اگر بر کوههای آهنی بگذرند، آن را می‌برند و قطعه قطعه می‌کنند و شمشیر را در غلاف فرو نمی‌برند خدای عز و جل از آنها راضی باشد».^{۲۱}

این روایت ممکن است عجیب به نظر برسد که چگونه میتوان باور کرد که لوط در عصر خودش، آرزو می‌کرد که چنین شخصی با چنین یارانی ظهور کند؟

ولی آشنایی با روایاتی که در تفسیر آیات قرآن وارد شده، تاکنون این درس را به ما داده است که غالباً یک قانون کلی را در چهره‌ی یک مصداق روشنش بیان می‌کند و در واقع لوط آرزو می‌کرد که ای کاش مردانی مصمم و با قدرت روحی و جسمی کافی برای تشکیل یک حکومت الهی همانند مردانی که حکومت جهانی عصر قیام حضرت مهدی (عج) را تشکیل می‌دهند، در اختیار داشت، تا قیام کند و با تکیه بر قدرت، با فساد و انحراف مبارزه نماید و اینگونه افراد خیره سر بی‌شرم را درهم بکوبد.^{۲۲}

۲۰. نمونه، ج ۹، ص ۲۰۴ و ۲۰۵.

۲۱. نورالقلین، ج ۲، ص ۳۸۷، حدیث ۱۷۷.

۲۲. نمونه، ج ۹، ص ۱۸۵.

۸ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجَاءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءَ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٦٧﴾

۷۰ و ۶۹ - زمر

«و زمین در آن روز به نور پرورگار روشن می‌شود و نامه‌های اعمال را پیش می‌نهند و پیامبران و گواهان را حاضر می‌سازند و در میان آنها به حق داوری می‌شود و به کسی ستم نخواهد شد و به هر کس، آنچه انجام داده است بی‌کم و کاست داده می‌شود و او نسبت به آنچه انجام می‌دادند از همه آگاهتر است».

آیه مربوطه به «قیامت» است ولی با توجه به این که هنگام قایم حضرت مهدی (عج)، دنیا نمونه‌ای از صحنه‌ی قیامت خواهد شد و عدل و داد به وسیله‌ی آن امام به حق و جانشین پیامبر (ص) و نماینده‌ی پروردگار در روی زمین، تأنجا که طبیعت دنیا می‌پذیرد، حکمفرما خواهد شد؛ لذا به قیام حضرت مهدی (عج) تفسیر شده است و در حقیقت نوعی تشبیه و تطبیق است.^{۲۳}

برای نمونه می‌توان اشاره به این حدیث کرد که مفضل از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: درباره‌ی این آیه که «و اشرق الارض بنور ربها» فرمودند: رب الارض یعنی امام روی زمین» گفتیم: اگر امام روی زمین ظاهر شود چه می‌شود؟ فرمودند: «در آن هنگام مردم از نور خورشید و ماه بی‌نیاز می‌شوند و از نور امام استفاده می‌کنند»^{۲۴}

شبهه این روایت، روایت‌های دیگری نیز آمده است.^{۲۵}

البته باید توجه داشت این جمله که «مردم از نور خورشید و ماه بی‌نیاز می‌شوند» به این نحو باید تأویل نمود که مثلاً حق و عدالت خود به خود مثل روز روشن خواهد بود و همه‌ی مردم عدالت را خواهند شناخت.

۹- أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَحْتِ الْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا ج

۱۷- حدید

«بدانید خدا زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند».

۲۳. همان، ج ۱۹، ص ۵۴۵.

۲۴. نورالتقلین، ج ۴، ص ۵۰۳ و ۵۰۴.

۲۵. ر.ک. همان - و.ر.ک. نمونه، ج ۱۹، ص ۵۴۵.

آیه اشاره‌ای است به زنده شدن زمینهای مرده به وسیله‌ی باران و هم زنده شدن دل‌های مرده به وسیله‌ی ذکر خدا و قرآن مجید که از آسمان وحی بر قلب پاک حضرت محمد(ص) نازل شده‌است؛ و هر دو شایسته تعقل و تدبر است. و لذا مصداق روشن آیه راه قیام حضرت مهدی (عج) می‌دانند که زمین به وسیله‌ی عدالت حضرت زنده می‌شود.

عن ابی جعفر (ع) فی قول الله عزو جل «اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها» قال یحیی الله تعالی بالقائم بعد موتها یعنی بموتها کفر اهلها و الکافر میت :

«حضرت باقر (ع) درباره این آیه شریفه که: اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها» فرمودند: خداوند زمین را به وسیله‌ی حضرت مهدی(عج) (زنده می‌کند بعد از آنکه مرده باشد و مسطور از بین بردن کفر اهل آن است و کافر مرده است.^{۲۶}

۱۰- قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ ﴿۳۰﴾

۳۰ - ملک

«به من خبر دهید اگر آبهای (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می‌تواند آب جاری در دسترس شما قرار دهد»

در روایاتی که از ائمه‌ی اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است؛ آیه‌ی فوق به ظهور حضرت مهدی (عج) و عدل جهان‌گستر او تفسیر شده‌است؛ از جمله در حدیثی از امام باقر (ع) می‌خوانیم:

«این آیه درباره‌ی امامی نازل شده‌است که قیام به عدل الهی می‌کند (حضرت مهدی (عج) (می‌گوید: اگر امام شما پنهان گردد در حالیکه نمی‌دانید کجاست؛ چه کسی برای شما امامی می‌فرستد که اخبار آسمانها و زمین و حلال و حرام خدا را برای شما شرح دهد «سپس فرمودند «به خدا سوگند تأویل این آیه نیامده است و سرانجام خواهد آمد»^{۲۷}

بارها گفته‌ایم که: آیات قرآن معانی متعدد و ظاهر و باطن دارد؛ و این نکته را نیز مؤکداً تکرار می‌کنیم که پی بردن به بطون آیات، جز برای پیامبر و امام معصوم ممکن نیست (و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم - آل عمران - ۷) و لذا هیچ کس حق ندارد چیزی به عنوان باطن آیه، از پیش خود مطرح کند، آنچه ما می‌گوییم مربوط به ظواهر آیات است و آنچه مربوط به بطون آیات است، فقط باید از معصومین (ع) شنید.^{۲۸}

۲۶. نمونه، ج ۲۳، ص ۳۴۳ - نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۴۲.

۲۷. نمونه، ج ۲۴، ص ۳۶۰ و ۳۵۹ - نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۸۷، حدیث ۴۱.

۲۸. نمونه، ج ۲۴، ص ۳۶۰.

۱۱- أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٣﴾ الَّذِينَ آمَنُوا
وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٤٣﴾

۶۴ - ۶۲ یونس (ع)

«آگاه باشید که اولیاء (و دوستان) خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند: همانهایی که ایمان آوردند (و از مخالفت زمان خدا) پرهیز می‌کردند در زندگی دنیا و آخرت شاد (و مسرورند)، وعده‌های الهی تخلف ناپذیرند، و این رستگاری بزرگی است.»

در ذیل آیات فوق احادیث فراوانی به ما رسیده است، از جمله امام صادق (ع) فرمودند :

«طوبی لشعیة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبتة و المطیحین له فی ظهوره اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم و لاهم یحزنون: خوشا به حال پیروان امام قائم ما که در غیبتش (با خودسازی) انتظار ظهورش را می‌کشند و به هنگام ظهورش، مطیع فرمان اویند، آنها اولیای خدا هستند، همانها که نه ترسی دارند و نه غمی.»^{۲۹}

احادیث دیگری نیز در همین باره وارد شده است.^{۳۰}

۱۲- وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ ﴿٤٣﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٤﴾ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ
إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿٤٣﴾

۴۳ - ۴۱ شوری»

«و کسی که بعد از یاری شدنش، یاری طلبد گناهی بر او نیست ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق ظلم روا می‌دارند و برای آنها عذاب دردناکی است اما کسانی که شکیبایی و عفو کنند، این از کارهای پر ارزش است.»

در بعضی از روایات آیات فوق به قیام حضرت مهدی (عج) و انتقام او و یارانش از ظالمان و مفسران در ارض تفسیر شده است، از جمله در حدیثی از امام باقر (ع) می‌خوانیم :

۲۹. نورالقلین ، ج ۲، ص ۳۰۹، حدیث ۹۴ - نمونه، ج ۸، ص ۳۳۹.

۳۰. ر.ک. همان منابع.

«آیهی» و لمن انتصر بعد ظلمه» یعنی حضرت مهدی (عج) و یارانش، آیهی «فاولئك ما عليهم من سبيل» مربوط به انتقام قائم (عج) و یارانش است زمانی که از بنی امیه و دروغگویان و ناصبیها (دشمنان حضرت علی(ع)) انتقام می گیرد.^{۳۱}

۱۳- ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا

بِعَايَتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾

۸۲ - نمل

«هنگامی که فرمان عذاب به آنها رسد (و در آستانه‌ی رستاخیز قرار گیرند) جنبده‌ای از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنها تکلم می کند و می گوید: مردم به آیات ما ایمان نمی آورند.»

«دابه» به معنی جنبده و «ارض» به معنی زمین است و بر خلاف آنچه بعضی می پندارند «دابه» تنها به موجودات و جنبندگان غیر انسان اطلاق نمی شود، بلکه مفهوم وسیعی دارد که انسانها را نیز در بر می گیرد.^{۳۲}

اما در مورد تطبیق کلمه، قرآن به طور سربسته، از آن گذشته، گویی بنابر اجمال و ابهام بوده است، تنها وصفی که برای آن ذکر کرده این است که با مردم سخن می گوید، و افراد بی ایمان را اجمالاً مشخص می کند. ولی در روایات اسلامی و سخنان مفسرین، بحثهای زیادی در این زمینه دیده می شود که در یک جمع بندی می توان آن را در دو تفسیر زیر خلاصه کرد:

۱- موجودی خارق العاده از غیرجنس انسان، که در آخرالزمان ظاهر می شود و از کفر و ایمان سخن می گوید و منافقین را رسوا می سازد و از آنها سخن می گوید.

۲- جمعی دیگر به پیروی از روایات متعددی که در این زمینه وارد شده است، او را یک انسان می دانند، یک انسان فوق العاده، یک انسان متحرک و جنبده و فعال که یکی از کارهای اصلی اش جدا ساختن صفوف مسلمین از منافقین و علامتگذاری آنهاست؛ حتی از پاره‌ای از روایات استفاده می شود که عصای موسی و خاتم سلیمان با اوست و می دانیم «عصای موسی» رمز قدرت اعجاز، «خاتم سلیمان» رمز حکومت و سلطه‌ای الهی است و به این ترتیب او یک انسان قدرتمند و افشاگر است.

مرحوم ابوالفتح رازی، در تفسیر خود، در ذیل آیهی فوق می نویسد: بر طبق اخباری که از طریق اصحاب ما نقل شده، دابه الارض کنایه از حضرت مهدی صاحب الزمان (عج) است.

۳۱. نورالتقلین، ج ۴، ص ۵۸۶ و ۵۸۵.

۳۲. نمونه، ج ۱۵، صص ۵۵۱ - ۵۵۱، با تلخیص و تصرف.

پس می‌توان گفت که منظور از «دابة الارض» در اینجا - با توجه به روایات فراوانی که در تفسیر وارد شده است - انسانی است بسیار فعال، مشخص‌کننده‌ی حق و باطل، مؤمن و منافق و کافر، انسانی است که در آستانه‌ی قیامت و رستاخیز ظهور می‌کند و خود این، یکی از آیات عظمت پروردگار است.^{۳۳}

۱۴- **إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ﴿٤٤﴾**

۴ - شعراء

«اگر ما اراده کنیم از آسمان بر آنها آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردن‌هایشان در برابر آن خاضع گردد».

معنای آیه این است که اگر می‌خواستیم آیه‌ای بر ایشان نازل کنیم؛ که ایشان را خاضع نماید و مجبور به قبول دعوت کنند و ناگزیر از ایمان آورده شوند؛ نازل می‌کردیم و به ناچار خاضع می‌شوند، خضوعی روشن که انحنا‌ی گردنشان از آن خبر دهد.^{۳۴}

امام صادق (ع) در تفسیر آیه‌ی فوق فرمودند: «منظور طغیانگران بنی‌امیه هستند که به هنگام قیام حضرت مهدی (عج)، آیه‌ی آسمانی را می‌بینند و در برابر آن به ناچار تسلیم می‌شوند.^{۳۵}

احادیث دیگری نیز در این باب وارد شده است.^{۳۶}

۱۵- **وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾**

۵۵ - نور

۳۳. همان.

۳۴. المیزان، ج ۱۵، ص ۳۴۷.

۳۵. المیزان، ج ۱۵، ص ۳۵۳ - نمونه، ج ۱۵، ص ۱۸۹ و ۱۸۸ - نورالقلین، ج ۴، ص ۴۷.

۳۶. ر.ک. نورالقلین، ج ۴، ص ۴۷ و ۴۶، احارث ۱۳ - ۸.

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند؛ وعده‌هایی می‌دهد که آنها را قطعاً خلیفه‌ی روی زمین خواهد کرد؛ همانگونه که پشتیبان را خلافت روی زمین بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده، پا برجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند آنچنانکه تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای شریک نخواهند ساخت و کسانی که بعد از آن کافر شوند؛ فاسقند».

با توجه به آیه‌ی فوق چنین برمی‌آید که خداوند به گروهی از مسلمانان که دارای این دو صفت هستند «ایمان» و «عمل صالح» سه نوید داده است :

۱- استخلاف و حکومت روی زمین.

۲- نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه دار در همه جا (که از کلمه‌ی تمکین استفاده می‌شود).

۳- از میان رفتن تمام اسباب خوف و ترس و وحشت و ناامنی.

و نتیجه‌ی این امور آن خواهد شد که با نهایت آزادی، خدا را بپرستند و فرمانهای او را گردن نهند و هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نشوند و توحید خالص را در همه جا بگسترانند.^{۳۷}

پس وعده‌ی حکومت روی زمین و تمکین دین و آیین و امنیت کامل را به گروهی که ایمان دارند و نیز اعمالشان صالح است، داده است، اما منظور از این گروه از نظر مصداق، کدام گروه است؟

آنچه مد نظر ماست و مربوط به این بحث می‌شود این است که گروهی آن را اشاره به حکومت مهدی (ع) می‌دانند که شرق و غرب جهان را در زیر لوای حکومتش قرار می‌دهد، و آیین حق در همه جا نفوذ می‌کند و ناامنی و خوف و جنگ از صفحه‌ی زمین برچیده می‌شود و عبادتی خالی از شرک را برای جهانیان تحقق می‌یابد.

البته این تفسیر، مانع از این نخواهد بود که قبول کنیم در هر عصر و زمان که پایه‌های ایمان و عمل صالح در میان مسلمانان مستحکم شود، آنها صاحب حکومتی ریشه‌دار و پر نفوذ خواهند شد.

مرحوم طبرسی در ذیل آیه می‌گوید: از اهل بیت پیامبر (ص) این حدیث نقل شده است: «انها فی المهدی من آل محمد»: این آیه درباره مهدی آل محمد (ص) می‌باشد.^{۳۸}

روایات دیگری نیز در این باب وارد شده است.^{۳۹}

۳۷. نمونه، ج ۱۴، ص ۵۲۸.

۳۸. همان، ص ۵۳۱ - المیزان، ج ۱۵، ص ۲۲۰ - نورالثقلین، ج ۱۳، ص ۶۱۹.

۳۹. ر.ک. همان منابع.

۱۶- وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿١٦﴾

۸۱ - اسراء

«حق فرا رسيد و باطل مضمهل و نابود شد و (اصولاً) باطل نابود شدنی است!»

«در بعضی از روایات، جمله‌ی «جاء الحق و زهق الباطل» به قیام مهدی تفسیر شده‌است، هنگامی که امام باقر (ع) فرمود: «مضمون این سخن الهی این است که «اذا قام القائم ذهب دولة الباطل» هنگامی که قائم ما قیام کند دولت باطل برچیده می‌شود.»^{۴۰}

در روایت دیگر می‌خوانیم «مهدی به هنگام تولد، بر بازویش این جمله نقش بسته بود: جاء الحق و زهق الباطل، ان الباطل كان زهوقاً.»^{۴۱}

احادیث دیگری نیز در این باب وارد شده‌است.^{۴۲}

۱۷- الَّذِينَ إِنْ مَكَّنْهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا

عَنِ الْمُنْكَرِ وَرَبُّهُ عَقِيبٌ ﴿١٧﴾

۴۱ - حج

«یاران خدا کسانی هستند که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه‌ی کارها، از آن خداست.»

در بعضی از روایات اسلامی، آیات فوق به حضرت مهدی (عج) و یارانش، یا آل محمد (ص) به طور عموم، تفسیر شده‌است؛ چنانکه، در حدیثی از امام باقر علیه‌السلام، می‌خوانیم که در تفسیر آیه‌ی، الَّذِينَ إِنْ مَكَّنْهُمْ فِي الْأَرْضِ... فرمود: «این آیه تا آخر از آن آل محمد و حضرت مهدی (عج) و یاران اوست، خداوند شرق و غرب زمین را در سیطره‌ی حکومت آنها قرار می‌دهد، آئینش را آشکار می‌سازد و به وسیله حضرت مهدی (عج) و یارانش، بدعت و باطل را نابود می‌کند، آنچنانکه،

۴۰. نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۴ - نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۱۲.

۴۱. همان منابع.

۴۲. ر.ک. نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۱۳ و ۲۱۲، احادیث ۴۱۱-۴۰۷.

تبهکاران حق را نابود کرده بودند و آنچنان می‌شود که بر صفحه زمین، اثری از ظلم دیده نمی‌شود، (چرا که)، آنها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند^{۴۳}

در این زمینه احادیث دیگری نیز وارد شده‌است.^{۴۴}

اما همانگونه که گفتیم این احادیث، بیان‌کننده‌ی مصداقهای روشن و آشکار است و مانع عمومیت مفهوم آیه نیست، بنابراین مفهوم گسترده‌ی آیه، همه‌ی افراد با ایمان و مجاهد و مبارز را شامل می‌شود.

۱۸- وَذَكَرَهُمْ بِأَيِّمِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٥٠﴾

۵- ابراهیم

«و ایام الله را به آنها متذکر شو، در این، نشانه‌هایی است برای هر صبر کننده‌ی شکرگذار».

اضافه «ایام» به «الله» اشاره به روزهای سرنوشت ساز و مهم زندگی انسانهاست، که به خاطر عظمتش به نام «الله» اضافه شده‌است، و نیز به خاطر اینکه، یک نعمت بزرگ الهی شامل حال قوم و ملتی شایسته و یا یک مجازات بزرگ و دردناک الهی، دامنگیر ملتی سرکش و طغیانگر شده‌است که در هر دو صورت شایسته‌ی تذکر و یادآوری است.

در روایاتی که از ائمه‌ی معصومین به ما رسیده است «ایام الله» به روزهای گوناگون تفسیر شده‌است: در حدیثی از امام باقر (ع) می‌خوانیم که فرموده ایام الله یوم بقوم القائم (ع) و یوم الکره و یوم القیامه: ایام الله روز قیام مهدی موعود روز رجعت و روز قیامت است.^{۴۵}

و در تفسیر علی بن ابراهیم نیز آمده است: ایام الله ثلاثه: یوم القائم صلوات الله علیه و یوم الموت و یوم القیامه: ایام الله سه روز است: روز قیام حضرت مهدی (عج) و روز مرگ و روز رستاخیز^{۴۶}

همانگونه که بارها گفته‌ایم هرگز این گونه احادیث دلیل بر انحصار نیست، بلکه بیان قسمتی از مصداقهای روشن است و به هر حال یادآوری روزهای بزرگ (اعم از روزهای پیروزی و یا روزهای سخت و طاقت فرسا) نقش مؤثری در بیداری و هوشیاری ملت‌ها دارد و با الهام از همین پیام آسمانی است که ما خاطره‌ی روزهای بزرگی را که در تاریخ اسلام بوده، همواره جاودان می‌داریم و در هر سال و برای تجدید این خاطره، روزهای معینی را اختصاص می‌دهیم، که در آن تاریخ به گذشته باز می‌گردیم و درسهای مهمی از آن می‌آموزیم.

۴۳. نمونه، ج ۱۴، ص ۱۲۱ - نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶، حدیث ۱۶۱.

۴۴. ر.ک. نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶، احادیث ۱۶۳ و ۱۶۲.

۴۵. نمونه، ج ۱۰، ص ۲۷۵ - نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۲۶، حدیث ۷ - المیزان، ج ۱۲، ص ۲۴.

۴۶. نمونه و المیزان، همان - نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۲۶، حدیث ۸.

درسهایی که برای امروز ما فوق‌العاده مؤثر است.

و نیز در تاریخ معاصر خود، مخصوصاً در تاریخ پرشکوه انقلاب اسلامی ایران، روزهای فوق‌العاده‌ای، وجود دارد که مصداق زنده‌ی «ایام الله» است و باید در هر سال خاطره‌ی آنها را زنده کرد که آمیخته با خاطره‌ی شهیدان، رزمندگان، مجاهدان و مبارزان بزرگ است، و سپس از آنها الهام گرفت. میراث بزرگشان را پاسداری کرد... در قرآن کریم نیز کراراً «ایام الله» تذکر داده شده، یعنی هم نسبت به بنی اسرائیل و هم نسبت به مسلمانها روزهای نعمت و مجازات خاطر نشان گردیده است.^{۴۷}

۱۹- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ

كُرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾

۳۳- توبه

«او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا او را بر همه‌ی آیینها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.»

آیه‌ی فوق که عیناً و با همین الفاظ در سوره‌ی «صف» آیه‌ی ۹ نیز آمده است و با تفاوت مختصری در سوره‌ی فتح «آیه‌ی ۲۸ تکرار شده است، خبر از واقعه‌ی مهمی می‌دهد که اهمیتش موجب این تکرار شده است، و حتی در آیه‌ی ۳۹ انفال نیز به نوعی دیگر تکرار شده است؛ خبر از جهانی شدن اسلام و عالمگیر شدن این آیین می‌دهد.

گر چه بعضی از مفسران، پیروزی مورد بحث این آیه را به معنی پیروزی منطقه‌ای و محدود گرفته‌اند که در عصر پیامبر (ص)، و یا زمانهای بعد از آن برای اسلام و مسلمین صورت پذیرفت؛ ولی با توجه به اینکه در آیه؛ هیچگونه، قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق است، دلیلی ندارد که معنی آن را محدود کنیم.

مفهوم، آیه، پیروزی همه جانبه‌ی اسلام بر همه‌ی ادیان جهان است، و معنی این سخن آن است که سرانجام اسلام همه‌ی کره‌ی زمین را فراخواهد گرفت و بر همه‌ی جهان پیروز خواهد گشت.

شک نیست که در حاضر، این موضوع تحقق نیافته، وی می‌دانیم که این وعده‌ی حتمی خدا، تدریجاً در حال تحقیق است. سرعت پیشرفت اسلام در جهان و به رسمیت شناخته شدن این آیین در کشورهای مختلف اروپایی، و نفوذ سریع آن در آمریکا و آفریقا، اسلام آوردن بسیاری از دانشمندان و مانند اینها، نشان می‌دهد که اسلام رو به سوی عالمگیر شدن پیش می‌رود.

ولی طبق روایات مختلفی که در منابع اسلامی وارد شده، تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی(عج) ظهور کند و به برنامه‌ی جهانی شدن اسلام تحقق بخشد. به عنوان نمونه، امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه‌ی فوق فرمودند: «ان ذلک یكون عند خروج المهدی، فلا یبقی احداً الا احد بحمد - صلی الله علیه و آله وسلم: وعده‌ای که در این آیه است، به هنگام ظهور حضرت مهدی(عج) از آل محمد صورت می‌پذیرد، در آن روز، هیچکس روی زمین نخواهد بود، مگر اینکه به حقانیت حضرت محمد (ص) اقرار می‌کند»^{۴۸}

و امام صادق(ع) نیز در تفسیر آیه‌ی فوق چنین فرمودند: «به خدا سوگند، هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد، تا آنکه قائم(ع) خروج کند، وقتی او خروج کرد، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی باقی نمی‌ماند، مگر اینکه، از خروج آن جناب ناراحت می‌شود (زیرا آن جناب، عرصه را بر آنان چنان تنگ می‌گیرد که راه گریزی نمی‌یابند)»^{۴۹}.

۲۰. وَالْفَجْرِ

فجر - ۱

قسم به فجر»

«فجر» در اصل به معنی شکافتن وسیع است، و از آنجا که نور صبح، تاریکی شب را می‌شکافد، از آن تعبیر به فجر شده است؛ بعضی فجر را در این آیه به معنی مطلق آن یعنی سپیده‌ی صبح تفسیر کرده‌اند و مسلماً یکی از نشانه‌های عظمت خداوند است، و نقطه‌ی عطفی است در زندگی انسانها و تمام موجودات زمینی و آغاز حکمیت نور و پایان گرفتن ظلمت است، آغاز جنبش و حرکات موجودات زنده است و پایان یافتن خواب و سکوت است. و به این خاطر، این حیات خداوند به آن سوگند یاد کرده است.

و بعضی آن را به فجر آغاز محرم، فجر روز عید قربان، صبحگاهان ماه مبارک رمضان و یا فجر جمعه تفسیر کرده‌اند.

ولی این آیه مفهوم وسیعی دارد که همه‌ی اینها را شامل می‌شود، هر چند بعضی از مصداقهای آن از بعضی دیگر روشن‌تر و پر اهمیت‌تر است. بعضی معنی آیه را از این هم گسترده‌تر دانسته‌اند و گفته‌اند منظور از فجر، هر روشنایی است که در دل تاریکی می‌درخشد.

بنابراین درخشیدن اسلام و نور پاک محمدی (ص)، در تاریکی عصر جاهلیت، یکی از مصادیق فجر است و همچنین درخشیدن سپیده‌ی صبح قیام حضرت مهدی(عج) به هنگام فرورفتن جهان در تاریکی و ظلمت ظلم و ستم، مصداق دیگری از آن محسوب می‌شود، همانگونه که در بعضی از روایات به آن اشاره شده است.^{۵۰}

۴۸. المیزان، ج ۹، ص ۳۴۰

۴۹. المیزان، ج ۹، ص ۳۴۰ - نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۱۱ - حدیث ۱۲۲.

۲۱- وَالْعَصْرِ ﴿١﴾

عصر - ۱

«قسم به عصر»

«عصر» در اصل به معنی فشردن است، سپس به دقت عصر اطلاق شده، به خاطر اینکه برنامه‌ها و کارهای روزانه در آن پیچیده و فشرده است، سپس به این واژه به معنی مطلق زمان و دوران تاریخ بشر و امثال آن استعمال شده است. و لذا مفسران در تفسیر آیه، احتمالات زیادی داده‌اند، از جمله: وقت عصر سرتاسر تاریخ، انواع فشارها و مشکلات (به خاطر ریشه اصلی کلمه، انسانهای کامل که عصاره‌ی عالم هستی هستند) و نماز عصر و...^{۵۱}

ولی بعضی روی قسمت خاصی از این زمان مانند عصر قیام پیامبر اکرم (ص) یا عصر قیام حضرت مهدی (عج) است^{۵۲}

۲۲- حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَعُهُمْ مِّنْ أَوْعَدُوا وَنَاصِرًا وَآقِلًا عَدَدًا ﴿٢٤﴾

۲۴ - جن

«این کارشکنی کنار همچنان ادامه می‌یابد) تا زمانی که آنچه را به آنها وعده داده شده است، ببینند، آنگاه می‌دانند چه کسی یادش ضعیف‌تر و جمعیتش کمتر است.»

در این که منظور از «جمله‌ی ما یوعدون» عذاب دنیا و یا آخرت، یا هر دو است؟ تفسیرهای متعددی است ولی مناسب این است که معنی آن عام و گسترده باشد، بخصوص اینکه فزونی و کمی عدد و ضعف و قدرت ناصر و یاور بیشتر مربوط به دنیا است، و لذا جمعی از مفسرین آن را به مسأله‌ی جنگ بدر که در آن قعرت و قدرت مسلمانان آشکار گشت، تفسیر کرده‌اند و در روایات متعددی به ظهور حضرت مهدی (عج) (ارواحنا فداه تفسیر شده است، لذا اگر آیه را به معنی وسیعش تفسیر کنیم، همه‌ی اینها را شامل می‌شود.^{۵۳}

۵۰. نمونه، ج ۲۶، صص ۴۴۲ و ۴۴۱، با تلخیص و تصرف.

۵۱. نمونه، ج ۲۷، صص ۲۹۴ و ۲۹۳ - المیزان، ج ۲۰، ص ۶۰۹.

۵۲. نمونه، ج ۲۷، صص ۲۹۴ - نورالثقلین، ج ۵، صص ۶۶۶ - المیزان، ج ۲۰، ص ۶۰۹.

۵۳. نمونه، ج ۲۵، صص ۱۳۴.

در تفسیر نورالثقلین در ذیل آیهی فوق آمده است که: یعنی بذلک القائم و انصاره...: یعنی منظور از آن قائم (عج) و یارانش می باشد^{۵۴}...

۲۳- هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ

تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿۱۰۱﴾

۲۱۰ - بقره

«آیا (پیروان شیطان) انتظار دارند که خدا و فرشتگان در سایه‌هایی از ابرها به سوی آنان بیایند، یا اینکه سرنوشت‌ها معین شده و بازگشت امور همه به خدای تعالی است.»

آیهی مورد بحث متضمن وعید و تهدید است و ممکن است تهدیدی باشد به عذابی که کنار در روز قیامت در پیش دارند و ممکن است تهدیدی به حادثه‌ای که وقوعش در دنیا متوقع است، باشد و نیز ممکن است تهدیدی باشد به آینده‌ای که در انتظار آنان است چه در دنیا و چه در آخرت.

در روایات ائمه اهل بیت (ع) این آیهی شریفه

۱- به روز قیامت

۲- به روز رجعت

۳- به روز ظهور حضرت مهدی (عج) تفسیر شده است

آنچه از کلام خدای تعالی درباره‌ی قیامت و اوصاف آن به دست می‌آید، این است که قیامت روزی است که هیچ سببی از اسباب، و هیچ کاری و هیچ شغلی از سبحان پوشیده نیست، روزی است که تمام اوهام از بین می‌رود و آیات خدا در کمال ظهور ظاهر می‌شود و سراسر آیات قرآنی و روایات، هیچ دلیلی به چشم نمی‌خورد که دلالت بکند بر اینکه در آن روز عالم جسمانی به کلی از بین می‌رود، بلکه بر عکس، ادله‌ای به چشم می‌خورد که برخلاف این مفاد دلالت دارد.

چیزی که هست، این معنا استفاده می‌شود که در آن روز، بشر قبل از قیامت از روی زمین منقرض می‌شود، این حقیقت روز قیامت است، روزی که مردم برای رب العالمین به پا می‌خیزند، روزی که همه‌ی اسرارشان آشکار می‌شود و چیزی از ایشان بر خدا پوشیده نمی‌ماند. و روایاتی که رجعت را اثبات می‌کند، در یک جهت باهم اتحاد دارند و آن جهت این است که سیر نظام دنیوی متوجه به سوی روزی است که در آن روز آیات خدا به تمام معنای ظهور ظاهر می‌شود، روزی که

بعضی از اموات که در خوبی و یا بدی برجسته بودند و یا ولی خدا بودند و یا دشمن خدا، دوباره به دنیا برمی‌گردند تا میان حق و باطل حکم شود.

و این معنا به ما می‌فهماند که روز رجعت، خود یکی از مراتب روز قیامت است، هر چند از نظر ظهور به پای قیامت نمی‌رسد که در روز قیامت دیگر اثری از شر و فساد نمی‌ماند.

و باز به همین روز ظهور حضرت مهدی (عج) هم معلق به روز رجعت شده است، چون در آن روز هم، حق بر تمام معنا ظاهر می‌شود. هر چند که با ظهور حق در آن روز کمتر از ظهور در روز رجعت است، و لذا از ائمه روایت شده که فرموده‌اند: ایام خدا سه روز است: روز ظهور حضرت مهدی (عج) و روز برگشت (رجعت) و روز قیامت.

و این معنی یعنی اتحاد این سه روز بزرگ، بر حسب حقیقت و اختلاف آنها از نظر مراتب ظهور باعث شده که در تفسیر ائمه (ع) بعضی آیات، مانند آیه‌ی فوق، گاهی به روز قیامت، و گاهی به روز رجعت و گاهی به روز ظهور حضرت مهدی (عج) تفسیر شود.^{۵۵}

۲۴- اَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا

بقره - ۱۴۸

«هر کجا باشید خداوند شما را حاضر می‌کند.»

در روایات متعددی که از ائمه‌ی اهل بیت (ع) به ما رسیده، جمله‌ی، اینما تکنونوا یأت بکم الله جمعياً» به اصحاب حضرت مهدی (عج) تفسیر شده است.^{۵۶}

امام باقر (ع) در ذیل آیه‌ی فوق فرمودند: «منظور اصحاب امام قائم (ع) هستند که سیصد و سیزده نفرند، به خدا سوگند! منظور از امت معدوده» آنها هستند، به خدا سوگند! در یک ساعت همگی جمع می‌شوند، همچون پاره‌های ابر پاییزی که بر اثر تند باد، جمع و متراکم می‌گردد.^{۵۷}

و از اما رضا (ع) نیز نقل شده که فرمودند: «و ذلك و الله ان لو قام قائمنا يجمع الله جميع شيعة من جميع البلدان: به خدا سوگند! هنگام که حضرت مهدی (عج) قیام کند، تمام پیروان ما از تمام شهرها، گرد او جمع می‌کند.»^{۵۸}

۵۵. المیزان، ج ۲، صص ۱۶۳-۱۵۳، با تلخیص و تصرف.

۵۶. المیزان، ج ۱، ص ۵۰۱ و شبر، ص ۳۴.

۵۷. نمونه، ج ۱، ص ۵۰۳ - نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۵۸. نمونه، ج ۱، ص ۵۰۳ - نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۴۰.

بدون شک این تفاسیر از مفاهیم «بطون آیه» است و البته روایات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد.^{۵۹}

۲۵- وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ

الْوَارِثِينَ ﴿٢٥﴾

قصص - ۵

«اراده‌ی ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم».

اگر چه این آیه در حذول ماجرای موسی (ع) و فرعون قرار دارد ولی هرگز سخن از یک برنامه‌ی موضعی و خصوصی مربوط به بنی اسرائیل نمی‌گوید، بلکه بیانگر یک قانون کلی است، برای همه‌ی اعصار و قرون و همه‌ی اقوام و جمعیت‌ها، و این بشارتی است در زمینه‌ی پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر.

این بشارتی است برای همه‌ی انسانهای آزاده و خواهان حکومت عدل و داد برچیده شدن بساط ظلم و ستم، و نمونه‌ای از تحقق این مشیت الهی حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود.

و نمونه‌ی کاملترش، حکومت پیامبر اسلام (ص) و یارانش، بعد از ظهور اسلام بود، حکومت پابرنه‌ها و تهی‌دستان با ایمان و مظلومان پاکدل که پیوسته از سوی فراعنه‌ی زمان خود مورد تحقیر و استهزاء بودند و تحت فشار و ظلم و ستم قرار داشتند، سرانجام خدا به دست همین گروه، دروازه‌های قصه‌های کسرها و نیز قیصرها را گشود و آنها را از تخت قدرت به زیر آورد و بینی مستکبران را به خاک مالید. و نمونه‌ی گسترده قرآن، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره‌ی زمین، به وسیله‌ی مهدی ارواح‌تاله لافداء است.

این آیه نیز از جمله آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می‌دهد، لذا در روایات می‌خوانیم که ائمه‌ی اهل بیت (ع) در تفسیر این آیه، اشاره به این ظهور بزرگ کرده‌اند.^{۶۰}

در نهج‌البلاغه آمده است :

و قال (ع): «لتعطفن الدنيا علينا بعد شما سبها عطف الضروس على ولدها و تلا عقيب ذلك و نريدان نم على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين.»

۵۹. ر.ک. نورالتقلین، ج ۱، صص ۱۴۰-۱۳۸، احادیث ۴۲۸-۴۲۳.

۶۰. نمونه، ج ۱۶، صص ۱۷ و ۱۸.

«دنيا پس از سرکشی به ما روی می‌کند، چونان شتر ماده‌ی بدخو که به بچه‌ی خود مهربان گردد و سپس این آیه را خواند، و اراده کردیم که بر مستضعفین زمین، منت گزارده، آنان را امامان و وارثان حکومتها گردانیم».^{۶۱}

و در حدیث دیگری باز هم از همان امام بزرگوار (ع) می‌خوانیم که در تفسیر آیه‌ی فوق فرمودند: هم‌آل محمد بیعت الله مهدیه‌م بعد جهرهم فیعزهم و یذل عدوهم: این گروه آل محمد (ع) هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنها وارد می‌شود، بر می‌انگیزد و به آنها عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند».^{۶۲}

در این باب روایات دیگری نیز وارد شده‌است.^{۶۳}

۶۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۶۲. نمونه، ج ۱۶، ص ۱۸ - نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰، حدیث ۱۱.

۶۳. ر.ک. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۷ - نمونه، ج ۱۶، ص ۱۸ و نیز نورالثقلین، ج ۴، صص ۱۱۱ - ۱۰۷.

فصل دوم:

پیامبران صالح

در اولین آیه‌ای که در فصل اول بررسی کردیم، به این نتیجه رسیدیم که منظور از «عبادی الصالحون» در آیه زیر طبق روایت بائمه اطهار (ع) حضرت قائم و یاران و انصار آن حضرت می‌باشد.

«و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادى الصالحون»^{۶۴}

در آیات قرآن کریم، به صراحت، بعضی از اشخاص صالح شمرده شده‌اند. در مواردی این صالحین از زمره‌ی انبیای الهی هستند؛ یعنی در توضیح و بیان داستان این پیامبران، آنها را به صفت «صالح، منصف» فرموده است که در ادامه به این آیات اشاره خواهیم کرد. در یک مورد نیز عبارت «صالح المؤمنین» به کار رفته است:

«فان الله هو مولاة و جبریل و صالح المؤمنین و الملائكة بعد ذلك طهیر»^{۶۵}

«در حقیقت خدا، سرپرست او (پیامبر اسلام) است و جبرئیل و صالح المؤمنین و فرشتگان بعد از آنان نیز یاور اویند»..

مطابق برخی روایات، منظور از «صالح المؤمنین» در این آیه‌ی شریفه، حضرت علی(ع)^{۶۶} پس می‌توان گفت که هم مهدی صالح است و هم علی(ع)

اما مهدی صالح است و پیامبران و انبیایی که با صفت صالح مدح شده‌اند دوشادوش یکدیگر قرار دارند.

۲ و ۱ نوح و لوط (ع)

- ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط کانتا تحت عبادین من عبادنا صالحین»^{۶۷}

خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند.

- «و لوطا ءابتناه حکماً و علماً... و ادخلناه فی رحمتنا انه من الصالحین»^{۶۸}

۶۴. انبیاء - ۱۰۵.

۶۵. تحریم - ۴.

۶۶. رک. نمونه، ج ۲۴، صص ۲۸۲ - ۲۸۰.

۶۷. تحریم - ۱۰.

- و لوط را (به خاطر بیاور) که به او حکمت و علم دادیم... و او را در رحمت خود داخل کردیم و او از صالحان بود.

در فصل اول این تحقیق ذیل آیه ۸۰ سوره هود گذشت که حضرت لوط (ع) آرزو می کرد که ای کاش یاران قدرتمندی از صالحان داشت و خدا دعایش را مستجاب کرد و فرمود: او از صالحان بود.

۳- ابراهیم (ع):

- من یرغب عن ملء ابراهیم الا من سفه نفسه و لقد اصطفیناه فی الدنیا و انه فی الآخرة لمن الصالحین.^{۶۹}

جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم رویگردان خواهد شد؟ ما او را در این جهان برگزیدیم، و او را در جهان دیگر از صالحان بود.

- و ایتناه فی الدنیا حسنة و انه فی الآخرة لمن الصالحین.^{۷۰}

ما در دنیا به او حسنه‌ی نیکویی دادیم و او در آخرت از صالحان است.

- ووهبنا له اسحق و یعقوب و جعلنا فی ذریته النبوة و الکتاب و ءاتیناه اجده فی الدنیا و انه فی الآخرة لمن الصالحین.^{۷۱}

و در اواخر عمر، اسحق و یعقوب را به او بخشیدیم و نبوت و کتاب آسمانی را دودمانش قرار دادیم و پاداش او را در دنیا دادیم و او در آخرت از صالحان است.

۵ و ۴ - اسحق و یعقوب (ع)

- ووهبنا له اسحق و یعقوب و کلا جعلنا صالحین.^{۷۲}

و اسحق و علاوه بر او، یعقوب را به وی بخشیدیم و همه ی آنها را مردان صالح قرار دادیم.

- و بشرناه بالحق نبیاً من الصالحین.^{۷۳}

و ما او (= ابراهیم (ع)) را به اسحق، پیامبری از صالحان، بشارت دادیم.

۶۸. انبیاء - ۷۵ و ۷۴.

۶۹. بقره - ۱۳۰.

۷۰. نحل - ۱۲۲.

۷۱. عنکبوت - ۲۷.

۷۲. انبیاء - ۷۲.

۷۳. صافات - ۱۱۲.

۸ و ۶ - اسماعیل و ادريس و ذالكفل (ع)

و اسماعیل و ادريس و ذالكفل كل، من الصابرين، و ادخلناهم فی رحمتنا انهم من الصالحين.^{۷۴}

(و به یاد آور) اسماعیل و ادريس و ذالكفل را که همه، از صابران بودند و ما آنها را در رحمت خود وارد ساختیم؛ چرا که آنها از صالحان بودند.

۹- حضرت یونس (ع)

- فاصبر لعکم ربک و لاتکن لصاحب الحوت از نادى و هو مظلوم... فاجتباہ ربه فجعله من الصالحين^{۷۵}

صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش و مانند صاحب ماهی (حضرت یونس (ع)) در آن زمان که با نهایت اندوه خود را خواند... ولی پروردگارش او را برگزید و از صالحان قرار داد.

۱۰- حضرت یحیی (ع)

- ان الله یشبرک بیحیی مصداقاً بکلمة من الله و سیدا و حصورا و نبیاً من الصالحين.^{۷۶}

خداوند تو را به «یحیی» بشارت می دهد؛ کسی که کلمه ی خدا (= مسیح) را تصدیق می کند؛ در همه خواهد بود و از هوسهای سرکشی برکنار و پیامبری از صالحان است.

۱۱- حضرت عیسی (ع)

- ویلکم الناس فی المهد و کهلاً و من الصالحين^{۷۷}

و با مردم در گاهواره و در حالت کهولت (و میان سال شدن) سخن خواهد گفت و از صالحان است.

(۱۳ و ۱۲) زکریا و الیاس (ع)

- و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس کل من الصالحين.^{۷۸}

و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه از صالحان بودند.

۷۴. انبیاء - ۸۶ و ۸۵.

۷۵. قلم - ۵۰ - ۴۸.

۷۶. آل عمران - ۳۹.

۷۷. آل عمران - ۴۶.

۷۸. انعام - ۸۵.

چه خوب مقام معظم رهبری فرموده است :

«انبیای الهی از آغاز تاریخ بشریت، یکی پس از دیگری آمدند، جامعه را و بشریت را قدم به قدم، به آن جامعه‌ی آرمانی و آن هدف نهایی نزدیک کنند. انبیاء همه موفق شدند، حتی یک نفر از رسولان الهی هم در این راه و در این مسیر ناکام نماند، باری بود که بر دوش این مأموران عالی‌مقام نهاده شده بود، هر کدام قدمی آن بار را به مقصد و سرمنزل نزدیک کردند، کوشش کردند، هر چه توان داشتند به کار بردند، آن وقتی که عمر آنان سرآمد، این با پیامبران الهی دیگری از دست آنان گرفت و همچنان قدمی و مسافتی آن را به مقصد نزدیک‌تر کرد. حضرت ولی‌عصر (عج) میراث بر همه‌ی پیامبران الهی است که می‌آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعه‌ی الهی بر می‌دارد.^{۷۹}»

و در جای دیگر می‌فرماید :

«آن جامعه‌ای که در دوران ظهور ولی‌عصر (عج) به وجود خواهد آمد، همان جامعه‌ای است که همه‌ی پیامبران الهی برای تهیه‌ی مقدمات آن از جانب الهی مبعوث شدند، یعنی ایجاد یک جامعه‌ای که بشریت در آن جامعه بتواند به رشد و کمال متناسب خود برسد. اگر این آیه‌ی قرآن که درباره بعثت پیامبران می‌فرماید «لیقوم الناس بالقسط» یعنی پیامبران مبعوث شدند تا قسط و عدل در جامعه‌ی بشری استوار بشود، اشاره به هدف بعثت می‌کند، سپس حکومت حضرت مهدی (عج) و جامعه‌ی مهدوی همان جامعه‌ای است که این هدف را به طور کامل تأمین کند.^{۸۰}»

۷۹. خطبه‌های نماز جمعه - ۵۹/۴/۶.

۸۰. خطبه‌های نماز جمعه - ۶۰/۳/۲۹ - به نقل از انتظار، ش ۲، ص ۳۹.

فصل سوم:

سیمای صالحان

از آنچه که در فصلهای قبلی گذشت؛ مقداری از ویژگیهای صالحان مشخص شد؛ بویژه اینکه چون صالحان را در زمره‌ی پیامبرانی برشمردیم؛ پس قطعاً شبیه پیامبران در کلیه‌ی رفتارها خواهند بود، با این حال بهترین آیه‌ای که به طور کامل صفات اعتقادی و عملکرد و وجه رفتاری انسانهای صالح پرداخته، آیات ۱۱۳ و ۱۱۴ سوره‌ی آل عمران است و ما این صفات را مطرح می‌کنیم تا مشخص شود که یاران مهدی چه خصوصیتی باید داشته باشند و این صفات را در خود تقویت کنیم.

«لیسوا سواءً من اهل الكتاب امةً قائمةً تیلون ایات و الله ء اناء اللیل و هم یسجدون یؤمنون بالله و الیوم الاخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و سیار عون فی الخیرات و اولئک من الصالحین»

«آنان همه یکسان نیستند؛ از اهل کتاب جمعیتی هستند (که به حق و ایمان قیام می‌کنند و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می‌خوانند؛ در حالی که سجده می‌نمایند. به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آورند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در انجام کارهای نیک، پیشی می‌گیرند و آنها از صالحانند»

جالب توجه است که در این آیات ایمان به پیامبر اسلام ذکر نشده است، و شاید به این خاطر باشد که صالحان در تمام ادیان الهی بودند و در مجموع ویژگیهای زیر را دارند و اینها اصول مشترک تمام ادیان آسمانی است که «ان الذین عندالله الاسلام»

۱- ویژگیهای اعتقادی

الف - ایمان به خدا

ب - ایمان به روز قیامت

۲- ویژگیهای رفتاری

الف - تلاوت آیات الهی

ب - سجده بر آستان الهی

ج - امر به معروف و نهی از منکر

د - شتاب در کارهای خیر

در سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۹ نیز همین ویژگیها، عنوان شده‌است با این تفاوت که می‌توان گفت در ایمان و عمل صالح خلاصه گشته است.

- والذین آمنوا و عملوا الصالحات لندخلنهم فی الصالحین

«و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند؛ آنها را در زمره‌ی صالحان وارد خواهیم کرد. عمل صالح در آیه زیر نیز موثر و بالا برنده‌ی کلمه‌ی طیب شمرده است :

«الیه سعید الکلم الطیب و العمل الصالح و یرفعه»^{۸۱}

سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کنند و عمل صالح نیز، به آن رفعت می‌بخشد.

فصل چهارم

دعای پیامبران !!!

در بعضی از آیات قرآن که خداوند از زبان پیامبران آورده است، آنها را در زمره‌ی صالحان قرار داده است همانطوری که قبلاً گذشت؛ ولی بعضی از آیات نیز وجود دارد که در این آیات پیامبران الهی درخواست می‌کنند که خداوند آنها را از صالحان و در زمره‌ی ایشان قرر دهد؛ همانطوری که قبلاً راجع به حضرت لوط (ع) در ذیل آیه ۸۰ سوره هود - اشاره شد.

البته هیچ مانعی نخواهد داشت که ما این آیات را در کنار آیه معروف زیر قرار دهیم و ادعا کنیم که حضرت ابراهیم و حضرت یوسف و حضرت سلیمان (ع) نیز آرزو داشتند در زمره‌ی صالحان قرار گیرند و چه بسا که این صالحان همان یاران حضرت مهدی (عج) باشند.

۱- ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکران الارض یرثها عبادی الصالحون^{۸۲}

۲- از زبان حضرت ابراهیم (ع)

- رب هب لی حکماً و الحقنی بالصالحین.^{۸۳}

پروردگارا به من حکم و دانش ببخش و مرا به صالحان ملحق کن و نیز:

- رب هب لی من الصالحین.^{۸۴}

پروردگارا به من از صالحان ببخش

۳- از زبان حضرت یوسف (ع)

- توفنی مسلماً و الحقنی بالصالحین.^{۸۵}

(پروردگارا!) مرا مسلمان بمیزان و به صالحان ملحق فرما

۴- از زبان حضرت سلیمان (ع)

۸۲ انبیاء- ۱۰۵.

۸۳ شعراء - ۸۳.

۸۴ صافات - ۱۰۰.

۸۵ یوسف - ۱۰۱.

(پروردگارا!) مرا به رحمت خود در زمره‌ی بندگان صالحت وارد کن.

با قرار دادن آیات فوق در کنار هم، می‌توان گفت که حضرت ابراهیم، یوسف و سلیمان (ع) طبق تصریح قرآن، دعا می‌کردند که خداوند آنها را از بندگان صالح قرار دهد و چه بسا این بندگان صالح همان پیروان حضرت مهدی (عج) می‌باشند، یعنی آرزو دارند که در زمان حضرت مهدی (عج) بودند و حکومت صالحان را در روی زمین و گسترش عدل و داد را به چشم می‌دیدند.

«آخرین جمله را به امام و مقتدای خودمان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه اشریف عرض کنیم :

ای سید و مولای ما !

پیش خدای متعال گواهی بده که ما در راه خدا تا آخرین نفس ایستاده‌ایم.

بزرگترین آرزو و افتخار بنده این است که در این راه پرافتخار، پرفیض، پر بهجت، جان خودم را تقدیم کنم».^{۸۷}

«پروردگارا ! به محمد و آل محمد تو را سوگند می‌دهیم، دل‌های ما را با یاد امام زمان همواره با طراوت بذار.

پروردگارا! چشم‌های ما را به جمال ولی عصر (عج) تعالی فرجه الشریف منور بگردان»^{۸۸}

«آمین یارب العالمین»

۸۶ نمل - ۱۹.

۸۷ ۷۸/۴/۲۰ - به نقل از انتظار، ش ۲، ص ۵۴ و ۵۳.

۸۸ خطبه‌های نماز جمعه، ۵۹/۴/۶، به نقل از انتظار، ش ۲، ص ۵۴.

فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- پورسید آقایی، مسعود، فصلنامه‌ی انتظار، شماره ۲، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مرکز تخصصی مهدویت، قم، زمستان ۱۳۸۰.
- ۴- جمعه الفروسی الحویزی، علامه شیخ عبدعلی، تفسیر نورالثقلین، ۵ جلد، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، انتشارات مؤسسه‌ی اسماعیلیان، چاپ چهارم، قم، ۱۳۷۰ هـ ش و ۱۴۱۲ هـ ق.
- ۵- خوئی، آیت‌الله سید ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، مترجمان: محمد صادق نجمی و هاشم زاده هریسی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۷۵.
- ۶- شبر، سید عبدالله، تفسیر شبر، یک جلد، منشورات مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، ۱۴۱۵ هـ ق، ۱۹۹۵ م. (بدون نوبت چاپ).
- ۷- طباطبایی، علامه سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی همدانی - سید محمد باقر، (دوره ۲۰ جلدی) دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، چاپ چهاردهم، زمستان ۱۳۸۰.
- ۸- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران - تفسیر نمونه (جلد ۲۷ - ۱)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، نوبت چاپ، ۳۹ (برای جلد اول)، ۱۳۷۹ هـ ش. (نوبت چاپ سایر جلدها و نیز سال چاپ متفاوت است).

پژوهش: احد داوری